



هجرت امام رضا (ع) منشأ تحولات تمدنی ایران بود

یکی از مسائلی که حول زندگی امام رضا (ع) مطرح است، موضوع تأثیرات تمدنی هجرت آن حضرت بر ایران است. این تأثیرات به حدی است که برخی از این واقعه به عنوان بزرگ ترین رخداد تاریخ ایران یاد می کنند.

یکی از مسائلی که حول زندگی امام رضا (ع) مطرح است، موضوع تأثیرات تمدنی هجرت آن حضرت بر ایران است. این تأثیرات به حدی است که برخی از این واقعه به عنوان بزرگ ترین رخداد تاریخ ایران یاد می کنند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: یکی از مسائلی که حول زندگی مبارک حضرت امام رضا (ع) مطرح است، موضوع تأثیرات تمدنی هجرت امام رضا (ع) بر ایران است. این تأثیرات به حدی است که برخی کارشناسان از این واقعه به عنوان بزرگ ترین رخداد تاریخ ایران یاد می کنند. از سوی دیگر پذیرش ولایتعهدی توسط امام رضا (ع)، شرایطی را در جهان اسلام ایجاد می کرد که منجر به اقداماتی از سوی حضرت برای حفظ امت واحده شد. در گزارش پیش رو مروری بر نکات یاد شده خواهیم داشت.

حجت الاسلام سیدسلیمان صفوی در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد مهاجرت امام رضا به ایران و اهمیت آن در آینده فرهنگی- سیاسی ایران گفت: حضور امام هشتم (ع) در ایران و دوری ایشان از مدینه، به حرکت های شیعی در ایران انسجام بخشید و موجب وحدت بیشتر شیعیان و در نهایت تشکیل حکومت شیعیان صفوی در ایران شد.

سابقه تمدنی ایران و یکتاپرستی و عدالت جویی ذاتی ایرانیان، بهترین زمینه رشد و گسترش معارف حکمی و عدالت جویانه امامان معصوم (ع) در ایران بود. چنین شرایطی هیچ گاه در جزیره العرب مهیا نبود.

وی ادامه داد: سابقه تمدنی ایران و یکتاپرستی و عدالت جویی ذاتی ایرانیان، بهترین زمینه رشد و گسترش معارف حکمی و عدالت جویانه امامان معصوم (ع) در ایران بود. چنین شرایطی هیچ گاه در جزیره العرب مهیا نبود. لذا با مهاجرت حضرت امام رضا (ع) به ایران، دوره «دو قرن سکوت» ایرانیان (به قول مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب) به پایان رسید و نهضت عرفانی، فقهی، ادبی و چریکی گسترده ای در نقاط مختلف ایران اعم از خراسان، ری و طبرستان شکل گرفت؛ که در نهایت منجر به تشکیل طریقت صفویه و حکومت صفویه در ایران گردید و ایران امّ القرای جهان تشیع و مشهدالرضا قطب سیاسی - معنوی ایران شد. حدیث «سلسله الذهب» که امام رضا (ع) در جمع نیشابوریان فرمودند، نقش مهمی در گسترش عرفان رضوی در ایران داشت.

وی افزود: شیخ صفی الدین اردبیلی که از اولاد حضرت حمزه بن موسی کاظم برادر امام رضا (ع) است بعداً طریقت صفویه را در ایران تأسیس کرد که منجر به استقلال ایران و تثبیت تشیع در ایران شد. در واقع می شود گفت که طریقت صفویه که تجلی عرفان رضوی است و استقلال ایران به دست شاه اسماعیل صفوی از میوه های شیرین نهضت امام رضا (ع) است، که به طور کلی سرنوشت ایران را از نظریه منحط خلافت و جهان تسنن جدا کرد.

امام رضا (ع) با بیان این حدیث شریف؛ فلسفه سیاسی تشیع و عرفان رضوی را تبیین کردند، بدین معنا که ولایت سیاسی، علمی و معنوی متعلق به امامان معصوم (ع) است. لذا لقب «سلطان علی بن موسی الرضا (ع)» برای آن حضرت در ایران مشهور شد.

سیدسلیمان صفوی گفت: امام (ع) فرمودند: «من از پدرانم و آنان از پیامبر خدا (ص) و آن حضرت از خداوند باری تعالی شنیدند که فرمود: «لا اله الا الله قلعه مستحکم من است؛ هر آن کس که داخل آن شود از عذاب ایمن است». سپس با کمی تأمل فرمودند: «این مطلب شروطی دارد که یکی از شرایط آن، پذیرش ولایت من (اهل بیت پیامبر خدا (ص) است». امام رضا (ع) با بیان این حدیث شریف؛ فلسفه سیاسی تشیع و عرفان رضوی را تبیین کردند، بدین معنا که ولایت سیاسی، علمی و معنوی متعلق به امامان معصوم (علیهم السلام) است. لذا لقب «سلطان علی بن موسی الرضا (ع)» برای آن حضرت در ایران مشهور شد.

وی ادامه داد: چنان که پادشاهان صفوی نیز خود را خادم امام رضا (ع) می خواندند. مهاجرت سادات علوی پس از مهاجرت امام رضا (ع) به ایران نیز نقش مهمی در گسترش تشیع در ایران داشت. به ویژه هجرت حضرت حمزه بن موسی برادر امام رضا (ع) که به ولایت ایشان اعتقاد تام داشتند و بارگاه ملکوتی ایشان در شهر ری است؛ بسیار

کارساز بود. بعداً بقعه مبارکه حضرت معصومه (س) خواهر مقدس حضرت امام رضا (ع) در قم و بارگاه مقدس حضرت احمد بن موسی (س) در شیراز؛ این شهرها را از اهمیت خاصی برخوردار نمود.

وی افزود: باید توجه داشت که نقش علویان و مرعشیان نیز در شمال ایران بسیار برجسته بود. حکیم سنایی از شاعران بزرگ ایران زمین و از جمله تأثیرگذارترین شاعران در حوزه های مختلف شعر فارسی؛ در قصاید خود با بهره گرفتن از مضامینی چون زهد، حکمت، اخلاق و عرفان؛ نخستین شاعری بود که با آمیختن افکار و اصطلاحات عرفانی با مضامین عاشقانه، قصیده ای در مدح امام رضا (ع) سرود.

محمدعلی فتح اللهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در مورد مسئله ولایتعهدی امام رضا و تاثیرات آن گفت: وقتی امام رضا (ع) وارد ایران شدند و این مسیر را حرکت کردند و قصه ولایت عهدی امام پیش آمد، یک دفعه گسست جدی پدید آمد در نوع نگرش و نگاه به زندگی. آنها اولین بار حقیقتی را می دیدند که مثل پیامبر اسلام جوهر و ذات دیانت را نشان می دهد و لحظه به لحظه دقایق زندگی امام درس آموز بود و فضای جدیدی برای ایرانی ها باز می کرد. تا آن زمان ایرانی ها فکر می کردند دین اسلام همان بنی عباس است. پیامبر، همان هارون الرشید یا کمی بهتر از آن است و نمی توانستند با حقیقت دین ارتباط برقرار کنند، اما وقتی وجود مقدس امام رضا (ع) وجود ملموس یافت، متوجه حقیقت دیگری شدند که حجت خداوند روی زمین بود و می توانست آن را عیناً برای مردم ایران ملموس کند.

مسلمانان و ایرانیان وقتی دیدند که فرزند پیامبر به همه دانش های غیراسلامی کاملاً تسلط دارد و با آن میانی با اینها حرف می زند، خود سانسوری که آنها داشتند کاملاً شکست و نهضتی پیدا شد که همه سراغ آن دانش ها بروند فلذا نهضتی بین مردم برای ترجمه شکل گرفت که بعدها در بغداد حالت رسمی پیدا کرد و دارالترجمه درست شد

وی ادامه داد: مسلمانان و ایرانیان وقتی دیدند که فرزند پیامبر به همه دانش های غیراسلامی کاملاً تسلط دارد و با آن میانی با اینها حرف می زند، خود سانسوری که آنها داشتند کاملاً شکست و نهضتی پیدا شد که همه سراغ آن دانش ها بروند فلذا نهضتی بین مردم برای ترجمه شکل گرفت که بعدها در بغداد حالت رسمی پیدا کرد و دارالترجمه درست شد. بقیه وقایع هم با سر منشاء بودن امام رضا (ع) اتفاق افتاد. حال در حوزه عرفان و تصوف هم که یک اقیانوس وسیع است و همه تشکیلات عرفانی را اگر ببینید، ریشه آنها به امام رضا (ع) می رسد. در واقع در اکثر عرصه ها حرکتی از نو شروع شد.

این پژوهشگر تأکید کرد: تنها یک جا است که همه ایرانی ها در آنجا احساس راحتی می کنند و تنها جایی که هیچ ایرانی در آنجا احساس غربت نمی کند، آستان مقدس امام رضا (ع) است. همه عالی ترین نبوغ ایرانی در هر قومی به آنجا هدیه می شود. موزه آستان مقدس امام رضا (ع) پر از این آثار است. هیچ جا مثل اینجا نیست که مرکز تلالو زیبایی های یک ملت بشود. این انسجامی است که به این ملت می دهد. همچنین یک ملاک قضاوت برای همگان است. اگر تحولات تاریخی را دقیق ببینیم، تأثیرگذاری این موضوع را می توانیم ببینیم. تا اکنون هم این گونه است که یک قدرت نقد را به ملت ایران داده و همیشه می دهد. زبان فارسی بعد از ولایت عهدی امام رضا (ع) است که رشد کرد. رجوع به داستان های قبل از اسلام ایران بعد از شکستن استبداد بنی عباس اتفاق افتاد و شاهنامه خوانی و شاهنامه سرایی همه بعد از آن حادثه اتفاق افتاد.

فتح الهی در پایان گفت: به تعبیر من آن رخداد بزرگ در تاریخ ایران واقعه ولایت عهدی امام رضا (ع) است که آن منبع بی پایان و فیاضی است که همیشه قدرت خلاقه و نقد را برای مردم ما به ارمغان دارد تا قدرت قضاوت پیدا می کنیم و با وجود امام رضا (ع) همه حکومت ها را به قضاوت بنشینیم و همه مردم ایران علی رغم اختلافات در آنجا می توانند با هم همکاری کنند.

حجت مهدی مسائلی نیز منظر دیگری از تاثیرات ولایتعهدی امام رضا بر ایران و جهان اسلام را تشریح کرد و گفت: در عهد امام رضا (ع) بویژه بعد از پذیرش ولایتعهدی شاهد شرایط اجتماعی خاصی هستیم، از طرفی بحث ولایتعهدی خود مستقیماً مربوط می شود به مصلحت اندیشی امام در حفظ انسجام «امت واحده» در مقابل دشمنان. تفسیری که در رابطه با پذیرش ولایتعهدی امام رضا (ع) وجود دارد این است که مامون حضرت را مجبور کردند و حضرت هم علی رغم میل باطنی خود بر اساس مصلحت پذیرفتند به حدی که این پذیرش از امتناع و حتی به شهادت رسیدن امام، مصالح برتری برای امت اسلامی در بر داشت. به این ترتیب ضمن اینکه می توانستند معارف الهی را که خداوند در وجودشان به ودیعه نهاده بود به مردم انتقال دهند و در کنار آن انسجامی را که مسلمانان به آن احتیاج داشتند به وجود بیاورند. در آن زمان هر قطعه از سرزمین اسلامی را افرادی تحت حکومت خود گرفته بودند و شورش های زیادی هم در سرتاسر

سرزمین های اسلامی اتفاق می افتاد. بسیاری از این شورش ها توسط علویان اتفاق می افتاد و مامون هم برای کنترل و سرکوب این شورشها ولایتعهدی را بر امام تحمیل کردند. امام رضا (ع) هم همچون دیگر حضرات معصومین حفظ وحدت اسلامی را بر دیگر امور ترجیح دادند و در خطبه ای که برای پذیرش ولایتعهدی ایراد فرمودند عنوان کردند که علت این پذیرش افزایش قدرت مسلمانان در مقابل دشمنان داخلی و خارجی مسلمانان است.

حضرت در مواردی شیعیان را مستقیماً نهی می کردند از جدال مخاصمه با اهل سنت و مخالفان مکتبی در اموری که اینها را نه تنها به حق نمی رساند بلکه لجاجت آنها را برمی انگیزد و باعث اعراض از حق می شود

وی ادامه داد: همنشینی و مراودت با اهل سنت و سیره عملی حضرت در قبال اهل سنت بعد از قبول ولایتعهدی بسیار بروز پیدا کرد. هرچند قبل از آن در مدینه نیز حضرت از سوی قبایل مختلف مسلمانان مورد احترام بودند. اما نمود تاریخی همنشینی با اهل سنت بعد از قضیه ولایتعهدی بسیار آشکار است. در این دوران در مجالسی که تشکیل می شد امام رضا (ع) با تمام مذاهب و قبایل مباحث علمی برگزار می کردند و معمولاً اکثر آنها از اهل سنت بودند. در هیچیک از این جلسات برخورد نامناسب و یا بی احترامی که موجب آزار افراد شود از سوی امام وارد نشده است. در عین بیان واقعیت ها سعی می کردند تعصبات و هیجانات مذهبی اهل سنت را برنینگیزند. اگر اشخاص به عیون اخبار الرضا و احتجاج طبرسی مراجعه کنند و به بررسی آن بپردازند، آداب مباحثه و گفتگو با اهل سنت را کسب خواهند کرد. در کتاب الکشف البیان عن تفسیر القرآن، در روایتی از حضرت، عنوان شده است که توهین کردن به خلفای اهل سنت، شیوه درستی نیست. در این روایت از امام رضا (ع) نقل شده که از جدش امام صادق (ع) نقل شده است که: حضرت تاکید نموده اند بر چند مطلب اول بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و بعد قضای نماز شبی که فوت شده و اینکه در مورد عمر و ابوبکر با پیروان آنها باید به بهترین نحو سخن گفت. درواقع حضرت در این روایت به دنبال مدح خلفا نیستند بلکه می خواهند به شیعیانشان تاکید نمایند که با زبان درست و رسا و بدون توهین و دشنام با اینها برخورد کنند.

مسائلی در پایان گفت: حتی حضرت در مواردی شیعیان را مستقیماً نهی می کردند از جدال مخاصمه با اهل سنت و مخالفان مکتبی در اموری که اینها را نه تنها به حق نمی رساند بلکه لجاجت آنها را برمی انگیزد و باعث اعراض از حق می شود. در این باره حضرت فرموده اند «لعن الله الذین یجادلون فی دینه اولئک ملعونون علی لسان نبیه» خداوند کسانی را که در دین او جدال می کنند، لعنت می کند. آنان در زبان پیامبر خدا نیز لعنت شدگانند. حضرت همواره در تلاش برای پرهیز از مباحثات لجاجت برانگیز بودند. بلکه قدم به قدم مناظره به پیش می بردند تا انصاف علمی را به همراه داشته باشند. درواقع به مناظره از منظر هدایتگری دیگران می نگرند و نه مغلوب کردن و شکست طرف مقابل و هرچا که حضرت هدایتی نمی دیدند مناظره را تعطیل می کردند.